

سرآزیری بلون دست افلاز

محمد مهدی عباسی آغوی

«یارو چنان رف رو اعصابم و مخمو تیلیت کرد که آمپر چسبوندم و فیوز پروندم و یه کف گرگی خوابوندم تو دهن مهنش. اساسی سرویسش کردم! شاخ شده بود نالوطی! ختم کلوم؛ داشت سوسکش کرد!» شما هم حتما چشمه‌هایی از این افاضات را در گوشه و کنار جامعه یا رسانه شنیده‌اید. ادبیاتی گفتاری که به آن ادبیات لمپنی هم می‌گویند.

۱

لمپن چه صیغه مشکله‌ای است؟

«لمپن یا لومپن» که از ریشه آلمانی گرفته شده، در مفهوم لغوی آن به کسی اطلاق می‌گردد که به گروه یا طبقه خاصی وابسته نباشد. اصطلاحی است که نخستین بار «کارل مارکس» و «فردریش انگلس» در دومین کتاب مشترک خود به نام ایدئولوژی آلمانی (۱۸۴۵) بکار بردند. آنان در این اثر و آثار بعدی خود «لومپن‌پرولتاریا» را «خرده طبقه‌ای» از جامعه دانستند که در تولید نقشی ندارد و در حاشیه اجتماع از راه‌های مشکوک مانند گدایی و واسطه‌گری و کلاهبرداری روزگار می‌گذرانند. اینان برای امرار معاش و گذران زندگی غالباً به کارهای ناشایست و ضد انسانی تن می‌دهند. دزدها، چاقوکش‌های حرفه‌ای، اوباش، ولگردان، روسپی‌ها و جنایتکاران باجگیر خرده‌پا و نظایر آن‌ها را اصطلاحاً در زمره این افراد می‌شمارند.

۲

چرا بعضی از جوان‌ها به این ادبیات روم آوند؟

اصول روان‌شناسی می‌گوید انسان کاری را تکرار می‌کند که درباره آن تقویت مثبت شده باشد. مثلاً اگر من ببینم رفیقم درس خواند و مورد احترام دیگران قرار گرفت، این رفتار در من تقویت شده و مورد یادگیری و تکرار قرار می‌گیرد. بر همین اساس این ادبیات به دلایل زیر در بین قشر جوان ما در حال تقویت است:

- رسانه ملی در مواردی از زبان بازیگران، این ادبیات را تشویق می‌کند و گاهی - رسانه ملی در مواردی از فضای اینترنت، سینما، برخی نشریات، برخی تکیه کلام مردم می‌شود. این حالت در فضای اینترنت، سینما، برخی نشریات، برخی آلبوم‌های موسیقی نیز مشاهده می‌شود.
- از آنجایی که این زبان تا حدی آمیخته با طنز بوده و جوان شیفته خنده و مزاح است، طالب آن می‌شود.
- این زبان، حس تنوع‌طلبی جوان را تأمین می‌کند.
- این نوع ادبیات باعث جلب توجه است؛ همان چیزی که جوان به دنبال آن می‌گردد.
- پیامک‌ها که نوعی نامه است، ولی خودمانی در ترویج این ادبیات مؤثر است.
- تکنولوژی و برخی ابزارهای روز و نیز ورود پاره‌ای کلمات خارجی در زبان امروز ما به این پدیده دامن زده است.
- اختصار و سرعت انتقال در بسیاری از این کلمات دلیلی مضاعف است. مثلاً به جای تلفن زدن می‌گویند: بزنک یا بتل!

...و-

این ادبیات چه آسیب‌هایی دارد؟

- شأن اجتماعی فرد را پایین آورده در رده طبقه کم بهره از علم و فرهنگ قرار می‌دهد.
- حریم‌های افراد و جایگاه مخاطب حفظ نمی‌شود و نوعی گستاخی را ترویج می‌کند.
- محتوای کلامی فرد را تهی می‌کند. او به جای پرداختن به عمق سخنانش، به ظاهرش پرداخته و رفته رفته فردی بی‌محتوا می‌شود.
- تکرار رفتار و گفتار هر قشری، ما را شبیه آن‌ها می‌کند. فردی که با ادبیات چاله‌میدانی یا همان ادبیات لمپن حرف می‌زند، خشونت و زمختی از گفتار او به رفتارش و از رفتارش نیز به شخصیت و احساسش سرایت کرده؛ چه بسا مانند برخی از بزه‌کاران و نااهلانی که در گذشته بیشتر با این ادبیات سخن می‌گفتند عمل کند.
- این ادبیات راه نفوذ فرهنگ بیگانه به کشور را باز می‌کند.
- فردی که دارای این ادبیات است شاید کمی بتواند افراد خاصی را بخنداند، ولی در مجموع او را فردی سبک و دلک‌مآب ارزیابی می‌کنند که انتظار کارهای جدی از او نمی‌رود.
- در یک جمله؛ ادبیات لمپن فاتحه می‌خواند به زبان زیبای فارسی و فرهنگ غنی کشور!

حالا چه کار کنیم؟

- جامعه و متصدیان کشور از تقویت و ترویج این فرهنگ به شیوه‌های گوناگون پرهیز کنند و جلوی نشر آثاری سخیف از این دست را بگیرند.
- فرهنگستان زبان فارسی با وضع واژه‌های نو و زیبا می‌تواند کلمات مناسبی جایگزین ادبیات لمپن کند.
- خانواده در این میان نقشی اساسی دارد. برخی کلمات جزئی را نباید بش از حد حساس شد. این حساسیت‌های بیش از حد گاهی اثر عکس و برافروختن لجاجت را در پی دارد. نباید انتظار داشت یک نوجوان به کلی این ادبیات را در همه جا کنار بگذارد و کلاً پاستوریزه شود! بلکه والدین باید کمی با سعه صدر برخورد کنند.
- خود والدین از به کارگیری این ادبیات با دقت در انتخاب کلمات پرهیز کنند. امام علی علیه السلام فرمودند: «خیر ما ورث الالباء»
- با تشویق و تحسین، وقتی که نوجوان خوب صحبت می‌کند او را تقویت مثبت کنند.
- با تقویت عزت‌نفس او سعی کنند برای فرزندشان تفهیم کنند که این ادبیات در شأن تو نیست و یا مناسب این مخاطب و مجلس نیست.
- خوب است در خانه کتاب‌های اصیل ادبیات ایران ترویج شود. برای مثال، بنده شخصاً به توصیه پدر فرهیخته‌ام حضرت آیت‌الله استاد هادی عباسی رحمته الله، یک دوره گلستان سعدی را با برادر و خواهرها و مادرم مباحثه کردیم و نیز کتاب حافظ و... در انتخاب دوستان خود دقت کنیم. آدم کنار گل، خوش‌بو و کنار فردی سیگاری، دودبو می‌شود! معروف است که به کسی گفتند چرا معتاد شدی؟ گفت: امان از رفیق ناباب! البته زغال خوب هم بی‌تأثیر نبود!
- اندیشه و تفکر پیش از گفتن هر سخن راه مناسبی برای کنترل کلام است. تا حرف نزدی سخت در اختیار تو است ولی وقتی از دهان خارج شد تو در اختیار او هستی.
- لقمان به فرزندش گفت اگر فکر می‌کنی سخن گفتن از نقره است، سکوت از طلا است. پس کمی زبان را در زندان دهان نگاه داریم تا ادب شود.
- امام علی علیه السلام فرمودند: «الناس الی صالح الأدب أحوج منهم الی الفضه و الذهب؛ مردم به ادب نیکو بیشتر نیاز دارند تا به طلا و نقره.»
- حالا مدام برویم ببینیم سکه چند شده و دلار چقدر است؟ آیا عیار ادب و سخن خود را محک زده‌ایم؟
- زبان در دهان ای خردمند چیست
- کلید در گنج صاحب هنر
- چو در بسته باشد چه داند کسی
- که جوهر فروش است یا پیلهور
- با دانشمندان و خوبان زیاد نشست و برخاست کنیم. از آن‌ها در مجالس‌مان دعوت کنیم و پای صحبت‌شان بنشینیم.
- زیاد شعر و کتاب بخوانیم تا محتوای سخن‌مان بالا رود. این طور حیف‌مان می‌آید به جای شعر حافظ و مولوی کلمات نااهلان را به زبان بیاوریم یا حرف‌های خوب را در قالب بد بگوییم.
- مدار نقطه بینش ز خال توست مرا
- ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه
- که قدر گوهر یک‌دانه گوهری داند
- که لطف نکته و سر سخن‌وری داند